

درس چهارم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

فلسفه (۱)

رشته‌های ادبیات و علوم انسانی – علوم و معارف اسلامی

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه

نکات تکمیلی فلسفه یازدهم به همراه متن درس

همانطور که از عنوان درس پیداست « آغاز تاریخی فلسفه » ، میخواهیم در این درس سیر شکل گیری مدون فلسفه در تاریخ را بررسی کنیم و همچنین در این درس توضیحاتی درباره نامشخص بودن ابتدای تاریخ فلسفه، گزارشی از برخی از فیلسوفان اولیه و توضیحاتی درباره دیدگاه فیلسوفان اولیه از عنصر اولیه جهان را بررسی خواهیم کرد.

- ❖ جمله معروف هراکلیتوس
 - ❖ بیان کننده این مسئله که:
 - ❖ هیچ امری در جهان ثابت نیست
 - ❖ بلکه جهان دائما در حال تغییر و تحول است
- « در یک رودخانه نمی توان دو بار شنا کرد »

آغاز تاریخی دانش فلسفه از

نظر زمانی و مکانی

- از نظر **زمانی** نمی توان آغازی تعیین کرد
- از نظر **مکانی** نمی توان آغازی تعیین کرد
- این سخن برای همه دانش ها صدق میکند
- چرا نمی توان آغازی تعیین کرد؟
- زیرا در هر تمدن درباره اساسی ترین مسئله های هستی و زندگی بشر سخن می گفته اند

مقدمه شکل گیری تمدن های جدید ← تمدن های قدیمی تر و ساده تر

- ✓ یکی از سرزمین های فلسفه خیز بوده
- ✓ حکیمان و فیلسوفانی خداپرست در ایران می زیسته اند
- سهروردی فیلسوف دوره اسلامی:
- دوره کیانیان انسان های وارسته ای بودند که:
- ✓ به حکمت و فلسفه می اندیشیدند
- ✓ دارای سلوک معنوی بوده اند
- ✓ اندکی پیش از فیلسوفان یونان باستان، برخی همزمان و
- برخی پس از آنان می زیسته اند

فلسفه در ایران باستان

نکته:

1. در تمدن های **چین** ، **هند** ، **بین النهرین** و **مصر** نیز پیش از یونان باستان فلسفه و حکمت رواج داشت.
2. آثاری مانند **اوپانیشادها** که شامل **متون متعدد هندو** است و **گاتاها** که **سروده های زرتشت** است، حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی قبل از یونان باستان دارند

- نخستین مجموعه ها یا قطعه های به زبان فلسفی در آنجا نگاشته شده
- مهد تفکر فلسفی
- شکل گرفتن دانش فلسفه در آنجا
- رایج شدن تفسیر جهان با روش عقلانی

فلسفه در یونان باستان

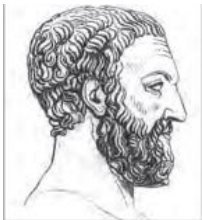
- ❖ بخشی از سرزمین یونان باستان واقع در غرب آسیای صغیر (ترکیه کنونی) که ایونیا نامیده می شد
- ❖ شش قرن پیش از میلاد

زادگاه فلسفه یونانی

- دگرگونی هایی که پیوسته در جهان طبیعت رخ می داد
- کوشش آنان برای تبیین عقلانی و درست این دگرگونی ها

مسئله مورد توجه

اندیشمندان یونان باستان



- ✓ نخستین فیلسوف یونانی
- ✓ در قرن ششم پیش از میلاد می زیست
- ✓ تاریخ تولد و مرگ وی مشخص نیست
- ✓ از وی هیچ نوشته ای باقی نماند
- ✓ از روی نوشته های فیلسوفان بعدی برخی افکار وی را به دست آوردند
- ✓ در سال ۵۸۰ قبل از میلاد خورشید گرفتگی سال ۵۷۵ قبل از میلاد را دقیقاً پیش بینی کرد
- ✓ اعتقاد داشت آب اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیزهاست

تالس

فیثاغورث

- یکی از فیلسوفان اولیه
- پایه گذار ریاضی و هندسه و از پایه گذاران فلسفه است
- ریاضیات را با عرفان و فلسفه درآمیخت
- اعداد و اصول اعداد را عناصر اولیه همه موجودات می دانست
- لفظ فلسفه را برای اولین بار به کار برد
- نخستین بار واژه « تئوری » به معنای رایج و واژه « کیهان » را برای جهان به کار برد

- ✓ از دیگر فیلسوفان اولیه یونان باستان
- به دو دلیل در تاریخ فلسفه شهرت یافت:
- 1- نظریه وحدت اعداد
- 2- تغییر دائمی جهان

هراکلیتوس

نظریه وحدت اعداد:

اموری که با هم ضد هستند می توانند با هم جمع شوند مانند دامنه کوه که هم سربالایی دارد هم سرپایینی



دلایل شهرت هراکلیتوس

نظریه تغییر و تحول دائمی جهان:

همه چیز در سیلان و حرکت است
هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد
دگرگونی قانون زندگی و قانون کائنات است بر همه
چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت
نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد

سید سعید حسینی دبیر فلسفه
و منطق شهرستان ایذه

- به نقل از افلاطون سقراط در جوانی با وی ملاقات کرد
- فلسفه خود را به صورت شعر عرضه کرد
- توجه دقیقی به مفهوم بودن و شدن برای نخستین بار برخلاف هراکلیتوس می گفت:
- هستی یک امر واحد ثابت است
- در جهان واقع نیستی راه ندارد
- با یک واقعیت بدون تغییر مواجه هستیم
- با تفکر عقلی می توان حقیقت را دریافت

1. **حواس** فقط مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است

2. **با عقل** می توان به لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است

تفاوت حواس با عقل
طبق نظر پارامنیدس

- ❖ آرا و نظریات گوناگون و غالبا متضاد منجر به ظهورشان گردید
- ❖ خود را دانشمند می خواندند
- ❖ برای حقیقت و واقعیت ارزشی و اعتباری قائل نبودند
- ❖ سعی می کردند حق را باطل و باطل را حق جلوه دهند

سوفیست ها

- ایجاد نوعی تشویش و نگرانی در میان مردم آن روزگار
- پراکنده شدن بذر بی اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه
- پیدایش سوفیست ها پی که خود را دانشمند می خواندند

آرا و نظریات گوناگون
دانشمندان موجب:

➤ منادی بی اعتباری علم و دانس

➤ بیهوده دانستن نظریات جهان شناسان

➤ روی آوردن به فن سخن وری به جای آموزش علوم

➤ پیروزی بر رقیب به جای رسیدن به حقیقت

➤ انکار اصل حقیقت و واقعیت

نظریات و عقاید

سوفیست ها

آغاز تاریخی فلسفه

1- جمله « در یک رودخانه دوبار نمی توان شنا کرد » از کیست؟ هر اقلیتوس

« در یک رودخانه دوبار نمی توان شنا کرد»

این جمله که برای بسیاری از اهل فکر و اندیشه به صورت ضرب المثل درآمده، خاستگاه فلسفی دارد. شبیه این جمله فراوان است و ما گاه و بی گاه آنها را بر زبان جاری می کنیم، گرچه ممکن است ندانیم از چه تاریخی وارد فرهنگ بشری شده است.

همین جمله متعلق به یکی از فیلسوفان قدیم است که در حدود ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، یعنی ۲۵۰۰ سال قبل می زیسته است.

آغاز اندیشه های فیلسوفانه و تفکرات فلسفی، محور اصلی این درس است. از این طریق می توانیم ریشه بسیاری از اندیشه هایی را که اکنون در میان ما رایج است، بشناسیم و به سابقه تاریخی آنها پی ببریم.

- 2- آیا می توان برای دانش فلسفه از نظر زمانی و مکانی آغازی تعیین کرد؟
- 3- چرا نمی توان برای دانش فلسفه آغازی تعیین کرد؟
- 4- اهمیت تمدن های قدیمی تر و ساده تر برای تمدن های بعدی چگونه بوده است؟

بیشتر بدانیم

در کتاب های تاریخی و آثار گذشته از حکیمی به نام «هرمس» یاد شده است و بسیاری او را پدر حکمت و فلسفه دانسته اند. از آنجا که زندگانی و افکار هرمس چندان روشن نیست، نمی توان درباره وی قضاوت کرد؛ شخصیت هرمس در مجموع از اسطوره تا واقعیت در نوسان است. در افسانه های یونان از او به عنوان یکی از خدایان یاد شده است. مصریان هم او را یکی از حکمای خود می شمرده اند.

برخی از دانشمندان اسلامی، هرمس را همان ادریس پیامبر دانسته اند. کتابی هم درباره نفس باقی مانده که برخی آن را از وی می دانند (بابا افضل کاشانی آن را به فارسی ترجمه کرده است).

از نظر سهروردی (فیلسوف مسلمان قرن ششم) هرمس منشأ حکمت یا سوفیا بود که ایرانیان، از طریق حکمایی مانند کیومرث و فریدون و کیخسرو، از آرای او بهره مند شدند و سرانجام، در دوره اسلامی با تعالیم حکمت اشراق به مرحله ای از کمال رسید.

ملاصدرا (فیلسوف بزرگ قرن یازدهم) نیز هرمس را پدر فلاسفه و استادان نامیده است. نظامی نیز در منظومه اسکندرنامه (خردنامه) از او این گونه یاد می کند:

همان هفتمین هرمس نیک رای
که بر هفتمین آسمان کرد جای



2 (خیر) برای دانش فلسفه نمی توان، از نظر زمانی آغازی تعیین کرد. همان طور که نمی توان گفت فلسفه ابتدا در کدام سرزمین پدید آمده است. البته، این سخن درباره همه دانش ها صدق می کند.

بی تردید هر جا که تمدنی شکل گرفته کسانی هم بوده اند که درباره اساسی ترین مسئله های هستی و زندگی بشر می اندیشیده و سخن می گفته اند، گرچه آثار مکتوبی از آنان به ما نرسیده باشد و ما اطلاعی از آن اندیشه ها و سخن ها نداشته باشیم² برخی از تمدن ها آن قدر قدیمی اند که در اثر گذر زمان و آمد و شد حوادث، آثار تمدنی آنها از بین رفته است. همین قدر می دانیم که

4 (تمدن های قدیم تر و ساده تر، مقدمه و پلکان شکل گیری تمدن های جدیدتر بوده اند و دستاوردهای آنها به تمدن های جدیدتر منتقل شده است⁴) با توجه به این دلایل، اطلاعات امروز ما به هیچ وجه نمی تواند تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه ارائه دهد؛ ما تنها می توانیم براساس آثار باقی مانده، گزارشی اجمالی از دورترین اندیشه های فلسفی ارائه کنیم³

5 (گزارش ها حکایت از این دارد که ایران باستان یکی از سرزمین های فلسفه خیز بوده و حکیمان و فیلسوفانی خدابرست در ایران می زیسته اند. سهروردی که از فیلسوفان بزرگ دوره اسلامی است، معتقد است که در دوره کیانیان انسان های وارسته ای بوده اند که هم به حکمت و فلسفه می اندیشیدند و هم دارای سلوک معنوی بوده اند. این حکیمان اندکی پیش از فیلسوفان دوره یونان باستان و برخی نیز هم زمان و پس از آنان می زیسته اند.)⁵

6 در تمدن های باستانی دیگر، مانند تمدن های چین، هند، بین النهرین و مصر⁶ نیز که پیش از تمدن یونان شکل گرفته اند، کم و بیش حکمت و فلسفه رواج داشته و آثاری که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته باشند، به جای مانده است، مانند⁷ اوپانیشادها که شامل متون متعدد هندو است¹ و گاتاها² که سروده های زرتشت می باشد⁷

- 5- وضعیت حکمت و فلسفه در ایران باستان چگونه بود نظر سهروردی در این باره را بنویسید؟
- 6- در کدام تمدن های پیش از تمدن یونان کم و بیش حکمت و فلسفه رواج داشت؟
- 7- دو مورد از آثاری که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته باشند را نام ببرید؟

8- چرا از سرزمین یونان به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می کنند؟

9- زادگاه فلسفه یونان در کجاست و از چه زمانی آغاز شد؟

10- در آغاز شکل گیری فلسفه، آنچه بیش از هر چیز ذهن اندیشمندان را به خود مشغول می داشت چه بود؟

تفکر در عبارات

عبارت های زیر از برخی حکمای قدیم نقل شده است.

1 باید «خود» را نگاه کرد، به «خود» گوش کرد، به «خود» اندیشید و در توجه به خود غرق شد. با نگاه کردن، گوش دادن، اندیشیدن و واقعیت دادن به «خود» است که هر چه که هست شناخته می شود. **خود شناسی** اوپانیساد ۴

2 بی حد و بی تمام، پابر جاست بی صدا و بی جسم، تنها ایستاده است و تغییر رانمی شناسد... من نام او رانمی دانم برای نامیدن است که او را تائو می نامم. باز حمت سعی دارم از چگونگی او خبر بدهم، او را بزرگ می خوانم. **خدا شناسی** لائوتسه

3 در آغاز، دو معنا بودند که آنها را توأمان می شناسند و یکی نیک و دیگری دروغ (= شر) است، در اندیشه، در گفتار و در کردار. **جهان شناسی** از میان این معنا، هشیاران، نیکی را انتخاب می کنند، نه گمراهان. اوستا، یسنا ۳۰

در این سه عبارت تفکر کنید و بگویید که هر عبارت به چه موضوع بنیادین و فلسفی اشاره دارد.

فلسفه در یونان

8) نخستین مجموعه ها یا قطعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده یا جنبه فلسفی در آنها غلبه داشته، از یونان باستان به یادگار مانده است. به همین جهت از سرزمین یونان به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می کنند. در آنجا بود که دانش فلسفه شکل گرفت و تفسیر جهان با روش عقلانی رایج شد. 8

9) البته زادگاه فلسفه یونانی بخشی بود از سرزمین یونان باستان واقع در غرب آسیای صغیر (کشور ترکیه کنونی) که «یونیا» نامیده می شد. در اینجا بود که در حدود شش قرن پیش از میلاد مباحث فلسفی پایه گذاری شد و اولین فیلسوفان یونان پا به عرصه وجود گذاشتند. 9 در آغاز شکل گیری فلسفه، آنچه بیش از هر چیز این اندیشمندان را به خود مشغول می داشت (دگرگونی هایی بود که پیوسته در جهان طبیعت رخ می داد. آنها کوشش می کردند تا به دیدگاهی دست یابند که بتوانند به درستی این دگرگونی ها را از نظر عقلی، تحلیل کنند. 1 البته اندیشمندانی که در آن دوره بودند، فقط به تفکر فلسفی نمی پرداختند. آنان دانشمندی بودند که کم و بیش با مجموعه علوم زمان خود،

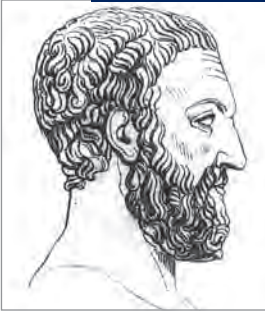
نکته ←

11- در زمان کدام اندیشمند کلمه فیلسوف بر سر زبان ها افتاد؟ سقراط

12- مورخان فلسفه چه کسی را نخستین اندیشمند یونانی می دانند؟ وی در چه قرنی می زیست؟

13- آیا از تالس نوشته ای باقی مانده است؟ چگونه می توان به افکار او پی برد؟

14- به نظر تالس همه چیز در نهایت از چه چیزی ساخته شده است؟



تالس در سال ۵۸۵ پیش از میلاد کسوفی را پیش بینی کرد. لذا گفته اند در اواخر قرن ۷ و نیمه اول قرن ۶ پیش از میلاد زندگی کرده است.

از جمله فلسفه آشنا بودند و به مسائل بنیادین هستی نیز توجه می کردند. حتی در آن ایام هنوز کلمه «فیلسوف» برای کسی به کار نمی رفت. در زمان سقراط بود که این کلمه بر سر زبان ها افتاد که بعداً آن را توضیح خواهیم داد.

12 (مورخان فلسفه «تالس» را نخستین اندیشمند یونانی می دانند که اندیشه

فلسفی مشخصی داشته است. وی در قرن ششم پیش از میلاد می زیست) از تالس

هیچ نوشته ای باقی نمانده است و از روی نوشته های فیلسوفان بعدی برخی از

افکار او را به دست آورده اند. تاریخ تولد و مرگ او مشخص نیست. ولی می دانیم

که وی در حدود سال ۵۸۰ قبل از میلاد دقیقاً پیش بینی کرد که در سال ۵۸۵

پیش از میلاد خورشید گرفتگی رخ می دهد و این خورشید گرفتگی در همان زمان

رخ داد. تالس که مانند دیگر اندیشمندان آن دوره به دنبال یافتن مبدأ تغییرات و

دگرگونی ها بود، عقیده داشت که آب اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیزهاست

و همه چیز، در نهایت، از آب ساخته شده است؛ زیرا او می دید که آب در درجات بالا

بخار می شود و در درجات بسیار پایین منجمد و سخت می گردد و وقتی به صورت

باران می آید، گیاهان از زمین می رویند. پس اینها هم حتماً شکل دیگری از آب اند.

16 (یکی دیگر از فیلسوفان اولیه، فیثاغورس است. او همان طور که پایه گذار

ریاضی و هندسه است، یکی از پایه گذاران فلسفه نیز محسوب می شود. او

ریاضیات را به گونه ای خاص با فلسفه و عرفان در هم آمیخت و یک دستگاه

فلسفی عمیق بنیان نهاد. ارسطو درباره فیثاغورس و پیروان او می گوید:

17 (فیلسوفانی که به نام فیثاغوریان خوانده می شوند، نخستین کسانی بوده اند

که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده اند. در نظر آنان، اصول

ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد، همان عناصر

اولی همه موجودات هستند.)¹⁷⁻¹⁸ می گویند لفظ «فلسفه» را او برای اولین بار به

کار برد. وی همچنین واژه «تئوری»^۲ را به معنایی که امروزه رایج است و نیز

واژه «کیهان»^۳ را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد.^۴

اندیشمند دیگر هراکلیتوس است. شهرت وی در تاریخ فلسفه به دلیل دو

اندیشه اوست؛ اولی وحدت اضداد است.¹⁹ او عقیده داشت که اموری که با هم

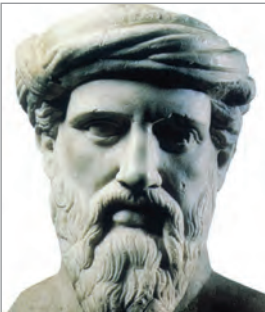
15- چه کسی خورشید گرفتگی را دقیقاً پیش بینی کرده بود؟ تالس

16- فیثاغورث کیست؟ و چگونه توانست یک دستگاه عمیق فلسفی بنیان نماید؟

17- دیدگاه ارسطو درباره فیثا غورس و پیروان او را بنویسید؟

18- به عقیده فیثاغورث، عناصر اولیه یا ماده اولیه جهان چیست؟

19- عقیده، « وحدت اضداد » هراکلیتوس را توضیح دهید؟



فیثاغورس در حدود ۵۷۰ پیش از میلاد در شهر ساموس در منطقه ایونیا متولد شده است.



20- دلایل شهرت هراکلیتوس را بنویسید؟ نظریه وحدت اضداد __ نظریه تغییر و تحول دائمی جهان

21- عقیده، «تغییر و تحول دائمی جهان» هراکلیتوس را توضیح دهید؟

22- سقراط در جوانی با کدام فیلسوف ملاقات کرده است؟ سقراط

ضد هستند، می توانند با یکدیگر جمع شوند؛ مثلاً دامنۀ کوه، هم سربالایی است و هم سرپایینی. دربارهٔ یک لیوان که تا نصف آن آب است، هم می توان گفت نیم لیوان خالی است و هم می توان گفت نیم آن پر است و این دو جمله تضادی با یکدیگر ندارند. پس وجود این اضداد است که جهان را می سازد و گریزی از ستیز و تضاد نیست. (19

(دومین اندیشهٔ مشهور وی تغییر و تحول دائمی جهان است. او می گفت «همه چیز در سیلان و حرکت است.» هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. دگرگونی، قانون زندگی و قانون کائنات است، بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت. باید قبول کنیم که «نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد.» (21



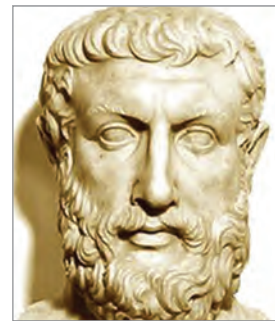
بررسی*

۱ تا چه اندازه این دو اندیشهٔ هراکلیتوس را واقع بینانه و درست می دانید؟

۲ آیا می توان میان این دو اندیشه ارتباطی برقرار کرد؟

۳ آیا می توان گفت که یکی از این دو سبب پیدایش تفکر دوم در نزد هراکلیتوس شده است؟

پارمنیدس از اندیشمندان بزرگ این دوره است که بنا به نقل افلاطون، سقراط در جوانی با وی ملاقات کرده است (او فلسفهٔ خود را به صورت شعر عرضه کرده و با بیانی شاعرانه به توصیف عقاید خود پرداخته است. او برای نخستین بار به مفهوم «بودن» و «شدن» (وجود و حرکت) که از مفاهیم اصلی فلسفه هستند، توجه دقیق کرده و تفاوت آن دو را ذکر کرده است (وی بر خلاف هراکلیتوس، می گفت که هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد. او می گفت در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی توان گفت «نیستی، هست»، زیرا این جمله تناقض آمیز است. ما با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فنا ناپذیر روبه رو هستیم (البته از طریق حواس نمی توان به این واقعیت رسید. تنها با تفکر عقلی است که این حقیقت را می توان دریافت. ²⁵ ²⁴ به عبارت دیگر: حواس فقط همین



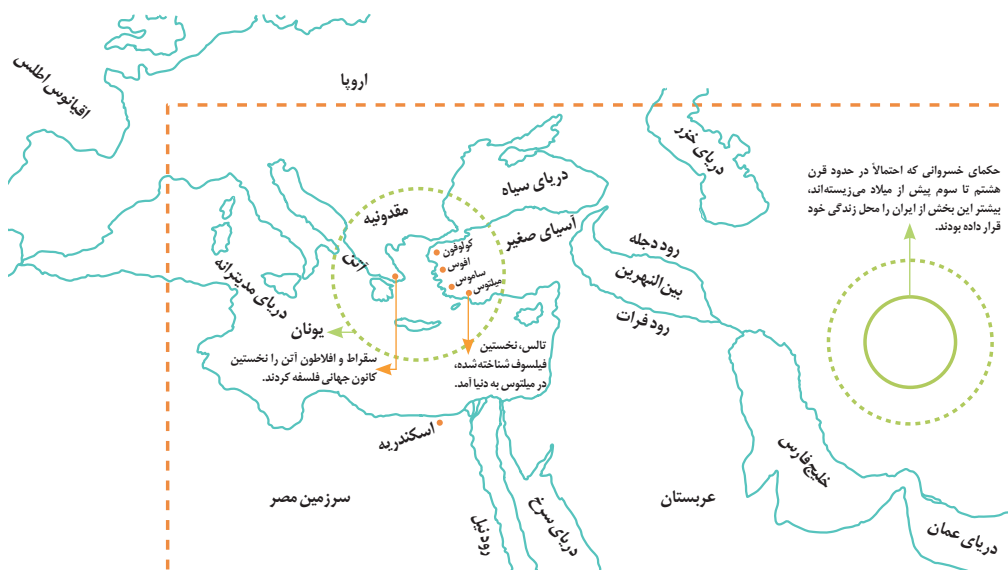
پارمنیدس حدود ۵۱۰ قبل از میلاد در جنوب ایتالیا به دنیا آمد. در این منطقه مهاجرتی که از آسیای صغیر آمده بودند، زندگی می کردند.

23- پارمنیدس فلسفه خود را چگونه عرضه کرد و کدام یک از مفاهیم اصلی فلسفه توجه کرد؟

24- دیدگاه پارمنیدس درباره هستی را بنویسید؟

25- به عقیده پارمنیدس چگونه می توان به یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فنا ناپذیر دست یافت؟

مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است. اما با عقل می توان به آن لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است. (25



نمونه سوال

با توجه به دیدگاه مورخان فلسفه به ترتیب مشخص کنید، نخستین اندیشمند یونانی که بود؟ ماده اولیه عالم را چه می دانست؟ و تفسیر وی از جهان به چه روشی بود؟

(ب) تالاس - اب - اسطوره ای و تخیلی

(الف) فیثاغورث - اصول اعداد - عقلانی و تخیلی

✓ (د) تالاس - آب - عقلانی

(ج) فیثاغورث - اصول اعداد - تخیلی و افسانه ای

فیثاغورث واژه را به معنایی که امروزه رایج است و واژه را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد

(د) فلسفه - کیهان

(ج) فلسفه - تنوری

(ب) کیهان - تنوی

✓ (الف) تنوری - کیهان

مفاد کدام عبارت، بیانگر نظر خاص پارمندس است؟

(الف) جهان امری یگانه و ثابت نیست و تحولی در کار است

✓ (ب) هستی و وجود حقیقی ثابت دارد، نه در حال حرکت و شدن

(ج) جهان امری یگانه و ثابت نیست و تحولی در کار است

(د) هستی و وجود حقیقی ثابت ندارد و در حال حرکت و شدن

26- چه عاملی سبب پیدایش سوفیست‌ها شد؟

27- آرا و نظریات گوناگون و غالباً متضادی که اندیشمندان یونانی عرضه داشتند، چه نتایجی همراه داشت؟

28- چرا سوفیست‌ها به سخن جهان‌شناسان باستان توجه نکرده و نظریات آن‌ها را بیهوده می‌دانستند؟

و چه هدفی را دنبال می‌کردند؟

بیشتر بدانیم

اندیشه

آیا می‌توانید این استدلال پارمنیدس در خصوص حقیقتِ واحد و ثابت و جاودان بودن هستی را کامل کنید؟

اگر چیزی به وجود آید، یا از وجود به وجود می‌آید یا از لاوجود.

اگر از وجود به وجود آید در این صورت قبلاً هست.

اگر از لاوجود به وجود آید..... **در این صورت هیچ چیز نیست**

زیرا از هیچ، چیزی به وجود نمی‌آید.

وجود فقط هست و وجود واحد است

بنابراین:.....

امپدوکلس^۱ که در نیمه نخست قرن پنجم پیش از میلاد می‌زیست، می‌گفت که جهان از چهار عنصر خاک، آب، هوا و آتش ساخته شده است. بعدها، ارسطو این نظریه را پذیرفت و اساس طبیعت‌شناسی خود قرار داد.

لئوکیپوس^۲ و شاگردش دموکریتوس^۳ (دیمقراطیس) که بین قرن‌های پنجم و چهارم قبل از میلاد می‌زیستند، برای اولین بار واژه «اتم» را به کار بردند. اتم که لفظی یونانی است، به معنای قسمت‌ناپذیر است. اتم‌ها، ذرات ریز تجزیه‌ناپذیری هستند که به چشم نمی‌آیند و بنیاد و اساس اشیا را تشکیل می‌دهند. اشیا موجود در جهان، آرایش‌های مختلفی از همین اتم‌ها هستند. به نظر او هرچه هست اتم و فضا است.

سوفیست‌ها

بیشتر بدانیم

اندیشمندانی که تاکنون از آنها سخن گفتیم، عموماً در قسمتی از آسیای صغیر، که آن روزها جزء سرزمین یونان بود، زندگی می‌کردند و هنوز در آتن، خبری از دانشمندان بزرگ نبود. اما به تدریج دیدگاه این دانشمندان، آتن، پایتخت یونان را هم تحت تأثیر قرار داد و آتن به مرکز نظریات گوناگون و اختلافات فکری تبدیل شد. آرا و نظریات گوناگون و غالباً متضادی که این اندیشمندان عرضه داشتند، سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود و بذریعۀ اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ایشان پراکنده گردد.

این آشفته‌گی فکری به ظهور دانشمندی منجر گردید که منادی بی‌اعتباری

علم و اندیشه شدند. این گروه که خود را «سوفیست»، یعنی دانشمند می‌خواندند، 26

به این دلیل که سخن اندیشمندان و جهان‌شناسان با یکدیگر متضاد است و آنها نتوانسته‌اند تفسیر درستی از جهان به دست آورند، نظریات آنان را بیهوده دانستند و به جای آموزش علوم به فن سخنوری روی آوردند و همان‌طور که گفته شد، به جای رسیدن به حقیقت، پیروزی بر رقیب را هدف قرار دادند و به

آنجا رسیدند که اصل حقیقت و واقعیت را انکار کردند. 28

در یونان آن روزگار اگر کسی می‌خواست صاحب مال و ثروت شود، راه آسان این بود که علیه کسی در دادگاه اقامه دعوی کند و اگر در دادخواهی پیروز می‌شد، به کام خود دست می‌یافت. سوفیست‌ها که استادان سخن بودند، در این دعوی دستمزد کلان می‌گرفتند و هر مدعی را به کرسی می‌نشانند. آنان کار خود را با مقدمات صحیح شروع می‌کردند و با سخن‌پردازی و مغالطه، حق را باطل و باطل را حق جلوه می‌دادند. یکی از فلاسفه به نام «گزنفون»^۴ می‌گوید: «سوفیست‌ها برای دریافت

۱. Empedocles

۲. Leucippus

۳. Democritus

۴. Xenophon

مزد به قصد فریب سخن می گویند و می نویسند و هیچ کمکی به کسی نمی کنند.» نمونه‌هایی از مغالطه کاری آنان در کتاب منطق سال دهم آمده است. بدین ترتیب، این فکر برای آنان پیدا شد که گویا اصلاً حقیقتی وجود ندارد. حق و باطل قابل تشخیص نیست و این سلیقه و خواست افراد است که معین می کند چه چیزی حق است و چه چیزی باطل.

یکی از این سوفیست‌ها پروتاگوراس^۱ بود. وی که در قرن پنجم قبل از میلاد در آتن می‌زیست، با پریکلس^۲، حاکم دانشمند آتن روابط بسیار صمیمانه داشت. او نخستین کسی بود که در مقابل تعلیم و تربیت مزد دریافت می‌کرد. به عقیده وی دانش ثابت و پایدار هرگز به دست نمی‌آید. شعار او این بود: «انسان معیار همه چیز است»، یعنی هر کس به هر اندیشه‌ای رسید، همان درست است، اگرچه صد درصد مخالف با اندیشه دیگری باشد. در بخش معرفت‌شناسی درباره سوفیست‌ها بیشتر خواهیم خواند.



۱. Protagoras

۲. Prikles

مشخص کنید اندیشه‌های فلسفی زیر منسوب به کدام فیلسوف است و درباره هر کدام شرح دهید.

۱ اعداد و اصول آنها، ماده اولیه همه موجودات هستند.

فیثاغورث

نام فیلسوف.....

اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد

و اصول اعداد، همان عناصر اولی همه موجودات هستند

۲ اموری که با هم ضد هستند می‌توانند با یکدیگر جمع شوند.

هراکلیتوس

نام فیلسوف.....

اموری که با هم ضد هستند، می‌توانند با یکدیگر جمع شوند

مثل دامنه کوه، هم سریالایی است و هم سرازیری. پس وجود این

این اضداد است که جهان را می‌سازد

۳ ماده اولیه همه چیز آب است.

تالس

نام فیلسوف.....

آب در درجات بالا بخار می‌شود و در درجات بسیار پایین منجمد و

سخت می‌شود و وقتی به صورت باران می‌آید، گیاهان از زمین می‌رویند

پس این‌ها هم حتماً شکل دیگری از آب هستند

۴ همه چیز در جهان در تغییر و دگرگونی است و هیچ چیز ثابتی وجود ندارد.

هراکلیتوس

نام فیلسوف.....

همه چیز در سیلان و حرکت است هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود

ندارد. دگرگونی قانون زندگی و قانون کائنات است، بر همه چیز فرمان

می‌راند و نمی‌توان از آن گریخت. باید قبول کنیم که نمیتوان در یک رودخانه

در جهان هستی دگرگونی وجود ندارد و همه چیز ثابت و واحد است دو بار شنا کرد

نام فیلسوف **پارامیدس**.....

از طریق حواس نمی‌توان به این واقعیت رسید تنها با تفکر عقلی

است که این حقیقت را می‌توان دریافت. به عبارت دیگر: حواس فقط همین

مرتبه ظاهری جهان هستی را نشان می‌دهد که نشان دهنده امور مختلف

و متغیر است، اما با عقل می‌توان به آن لایه باطنی و حقیقی هستی رسید

که بدون تغییر تغییر و جاودانه است